

یادداشت

از نظم لیبرال جهانی تا رقابت قدرت‌های بزرگ

رقابت قدرت‌های بزرگ در این چارچوب، اگرچه شدید است، اما عمدتاً درون قواعد نهادی و هنجاری کنترل می‌شود و از تبدیل‌شدن به تقابیل‌های تمام‌عبار نظامی جلوگیری می‌شود. نهادهای بین‌المللی با اصلاحات تدریجی، همچنان زمینه اصلی حل‌وفصل اختلافات باقی می‌مانند. پیشران‌های اصلی این سناریو عبارت‌اند از: هزینه بالای درگیری مستقیم میان قدرت‌های بزرگ، وابستگی متقابل اقتصادی، فشار بحران‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و همه‌گیری‌ها برای همکاری، و تداوم جذابیت نسبی برخی مؤلفه‌های نظم لیبرال. در این وضعیت، رقابت قدرت‌ها بیشتر جنبه فناوریانه، اقتصادی و هنجاری می‌یابد و منطق «مدیریت رقابت» جایگزین تقابل آشکار می‌شود.

سناریو دوم: تثبیت نظم رقابتی چندقطبی و فرسایش نهادهای لیبرال

در این سناریو، نظم لیبرال جهانی به‌تدریج جای خود را به نظمی می‌دهد که در آن چند قدرت بزرگ، بدون توافق بر سر قواعد مشترک، در حال رقابت ساختاری با یکدیگرند. نهادهای بین‌المللی کارکرد خود را از دست می‌دهند یا به میدان منازعه میان قدرت‌ها تبدیل می‌شوند و قواعد جهانی بیش از آنکه الزام‌آور باشند، گزینشی و ابزاری می‌شوند. سیاست قدرت و موازنه قوا بار دیگر به منطق غالب روابط بین‌الملل بدل می‌شود. پیشران‌های این سناریو شامل تشدید شکاف‌های ژئوپلیتیک، کاهش اعتماد راهبردی میان قدرت‌های بزرگ، رشد گرایی اقتصادی، و ناآرامدی نهادهای لیبرال در مدیریت بحران‌هاست. همچنین توسعه فناوری‌های راهبردی و نظامی، رقابت را تشدید و هزینه سازش را افزایش می‌دهد. در این چارچوب، نظم جهانی نه فرو می‌ریزد و نه بازسازی می‌شود، بلکه در وضعیت رقابتی ناپایدار تثبیت می‌شود.

سناریو سوم: فروپاشی نظم لیبرال و گذار به جهان بلوک‌بندی‌شده

در این سناریو، رقابت قدرت‌های بزرگ به سطحی می‌رسد که امکان هم‌زیستی نهادی از میان می‌رود و نظام بین‌الملل به سمت بلوک‌بندی‌های سخت سیاسی، اقتصادی و امنیتی حرکت می‌کند. جهان به حوزه‌های نفوذ نسبتاً بسته تقسیم می‌شود و همکاری جهانی به حداقل می‌رسد. نظم لیبرال نه‌تنها مشروعیت خود را از دست می‌دهد، بلکه عملاً جای خود را به مجموعه‌ای از نظم‌های منطقه‌ای و بلوکی می‌دهد. پیشران‌های کلیدی این سناریو عبارت‌اند از: تشدید بحران‌های امنیتی، بروز درگیری‌های نظامی مستقیم یا نیابتی میان قدرت‌های بزرگ، قطع زنجیره‌های جهانی تامین، وایدنولوژیک‌شدن رقابت‌های ژئوپلیتیک. در چنین وضعیتی، سیاست بین‌الملل وارد مرحله‌ای پرتنش و کُثم‌بات می‌شود که در آن هزینه‌های گذار برای همه بازیگران به‌ویژه کشورهای پیرامونی بسیار سنگین خواهد بود. در نهایت گفتنی است که: در شرایط کنونی، سناریوی دوم؛ یعنی تثبیت نظم رقابتی چندقطبی همراه با فرسایش نهادهای لیبرال به واقعیت نظام بین‌الملل نزدیک‌تر به نظر می‌رسد. شواهد رسته نشان می‌دهد که نظم لیبرال نه توان بازتولید کامل خود را دارد و نه آن‌چنان فروپاشیده که جای خود را به بلوک‌بندی‌های کاملاً سخت بدهد. رقابت فراینده میان ایالات متحده و چین، تداوم تنش‌های ژئوپلیتیک با روسیه، و توانایی نهادهای بین‌المللی در حل بحران‌های امنیتی و اقتصادی، همگی حاکی از وضعیتی هستند که در آن قواعد مشترک تضعیف شده‌اند، اما همچنان به طور حداقلی پای‌را حانه‌اند. این وضعیت، ویژگی اصلی یک نظم رقابتی ناپایدار است که نه بر همکاری نهادی عمیق استوار است و نه بر تقابل تمام‌عبار. دلیل نزدیکی این سناریو به واقعیت را باید در ترکیب بازدارندگی متقابل و هزینه‌های بالای فروپاشی کامل نظم جهانی جست‌وجو کرد. قدرت‌های بزرگ از یو سواکنیزه و توان کافی برای تحمیل نظم مطلوب خود را ندارند و از -سوی دیگر، از پیامدهای اقتصادی، امنیتی و سیاسی یک گسست کامل آگاه‌اند. به‌همین‌دلیل رقابت آنها در چارچوبی خاکستری و فرسایشی ادامه می‌یابد؛ نهادهای لیبرال تضعیف می‌شوند، اما حذف نمی‌شوند؛ همکاری جهانی محدود می‌شود، اما از میان نمی‌رود. این منطق «بازسازی، نه فروپاشی» توضیح می‌دهد که چرا سناریوی دوم، دست‌کم در میان‌مدت، محتمل‌ترین مسیر تحول نظام بین‌الملل است.

همین هست که هست

حرف راست را آقای دکتر ولایتی گفت که مردم باید مثل یمنی‌ها با کلاشنیکف و لنگ و دمپایی بجنگند یعنی ایشان که جامع معقول و منقول هستند، به‌خوبی آینه‌د را برای مردم تصویر و بازسازی می‌کرد و البته شامل حال آزاردهه‌های‌شان این پیش‌بینی نمی‌شود. خلاصه کلام

اینکه خیلی دلشوره بودجه را نداشته باشیم. به قول معروف «همینه که هست». آقای رئیس‌جمهور هم بداند که نمی‌تواند معیشت مردم را درست کند ولی باید بماند و البته تلاش کند که اصلاحات را انجام دهد زیرا بدون اصلاحات اقتصادی، جلوگیری از اسراف هم در حکومت و هم توسط مردم پرهیز از -شلخته‌کاری، کم‌کردن هزینه‌های مندرج در بودجه، برطرف‌کردن رانت‌ها، قائل‌شدن به اولویت در کشور، جلوگیری از قاچاق از برون و به بیرون کشور و تلاش برای حفظ ایران کارشان کوبیدن آب در هاون است و از جمله به قول ایشان از خود و نهادهای کشوری شروع کنند و دولت را کوچک کند و در قدم نخست را ریاست‌جمهوری شروع کند و به‌ویژه عینک‌های تیره‌ای که به دور او گرد آمده‌اند را برداید و همان‌طور که در مجلس خواست، عینک جدید بخواهد و البته می‌تواند از شر عینک‌داشتن هم رها شود و بهتر ببیند مشروط بر آنکه با صداقتی که دارد حرف ادیبانه خود را بگوید و به همکار جراح خود دکتر حسن هاشمی مراجعه‌کند و لنز داخل چشمی بگذارد. حتما دکتر هاشمی آن‌قدر سعه صدر دارد که آن حرف را ندیده بگیرد و ایشان را از شر عینک خلاص کند و تازه آن وقت است که می‌تواند عینک‌های تیره دور و بر خود را از خود برداید. شاید این کار مقدمه‌ای شود برای ورود به کار اصلاحات زیرا بدون اصلاحات حداقلی گره کار باز نمی‌شود.

ادامه از صفحه اول

مهم‌سازدهی: تنش میان امارات و عربستان که ممکن بود به‌سرعت بالا گرفته و به یک رویارویی سیاسی جدی در خاورمیانه تبدیل شود، با تصمیم امارات متحده عربی برای پایان حضور نظامی این کشور در یمن، بار دیگر به کنترل درآمد. اما این خط پایانی بر رقابت‌های دو قدرت مطرح عربی در منطقه خاورمیانه نخواهد بود. حمله عربستان سعودی به یک کاروان تسلیحاتی امارات، بحرانی را که به نظر می‌رسید برای مدتی آتشی زیر خاکستر بوده، جدی‌تر کرد. امارات و عربستان یک دهه قبل با آغاز جنگ یمن و ایجاد ائتلاف عربی علیه حوثی‌ها، اتحادی را رقم زدند که کمتر از یک دهه دوام آورد و سپس به رقابتی جدی بدل شد. محمد بن سلمان و محمد بن زاید که پیش از این همچون دو برادر، هوای یکدیگر را داشته و متحدانی واقعی به نظر می‌آمدند، پس از تغییر اوضاع در یمن و وقتی ابوظبی رسماً پای خود را از ائتلاف عقبی پس کشید، به رقیب تبدیل شدند.

بنا بر نوشته تلگراف، امارات پس از مقابله با حوثی‌ها، از یمن خارج نشد، بلکه به افزایش حضور خود در جنوب این کشور، که منطقه‌ای نفت‌خیز است، ادامه داد. این منطقه نه‌تنها مسیر حیاتی کانال سوئز را تحت پوشش قرار می‌دهد، بلکه مرز جنوبی عربستان را نیز تهدید می‌کند و به امارات امکان فشار مستقیم بر ریاض را می‌دهد. حضور پررنگ امارات در جنوب یمن، احتمال ازبین‌رفتن تمامیت ارضی را در این کشور بالا برد و هم‌زمان دست اماراتی‌ها را نسبت به منافع اقتصادی باز کرد. برای عربستان که روی پروژه نئوم در ساحل دریای سرخ حساب ویژه باز کرده است، زیاده‌خواهی اماراتی‌ها گستاخانه به‌نظر می‌رسید.

بازیگرانی که دنیایشان متفاوت شده است

عربستان و امارات در سال‌های گذشته متحدانی همسو به نظر می‌رسیدند. اما حالا امارات تلاش دارد تا از گذشته خود فاصله بگیرد. این کشور در جنوب یمن ابایی از حمایت از گروه‌هایی که بازیگرانی غیرمعمول به حساب می‌آیند و شائبه همکاری با القاعده و گروه‌های تندرو درمورد آنها مطرح است، ندارد. عربستان بالعکس تلاش دارد تا هم جایگاه خود را به صورت قدرتی اثرگذار در میان کشورهای اسلامی و عربی حفظ



از ائتلاف تا تخاصم

سایه رقابت ریاض – ابوظبی بر سر خاورمیانه

این یک جنگ پنهان است

تا پیش از حمله عربستان به محموله نظامی اماراتی، تنش میان ابوظبی و ریاض چندان جدی تلقی نمی‌شد. با اینکه وضعیت از سال ۲۰۱۹ روز به روز در میان دو پایتخت عربی دشوارتر شده است، اما آنها مانند پسرعموهایی که از آشکارشدن اختلافاتشان هراس دارند، تلاش کردند مشکل را بی‌سروصدا حل‌وفصل کنند. صوری اما در نهایت جواب نداد و عربستان پس از آنکه امارات دست به ماجراجویی تازه در جنوب و شرق یمن زد، عکس‌العملی تند از خود نشان داد. از آنجا که عربستان و امارات هر دو از بازیگران اصلی بازار انرژی در جهان‌اند، ایالات متحده به عنوان ناظر رقابت جانانه دو پادشاهی عربی، نگران به‌نظر می‌رسد. در حقیقت بسیاری از ناظران معتقدند شکاف میان ابوظبی و ریاض می‌تواند به خطر بخش بزرگی از جهان تمام شود. این مورد از معدود مواردی است که چین هم با جهان غرب هم‌داستان است. پکن برای رسیدن به اهداف خود از هیچ‌گونه تنشی در خاورمیانه استقبال نمی‌کند. برای آنها حتی ماندن در وضعیت کُج‌دار و مریز هم به افزایش تنش‌ها رجحیت دارد. غرب همچنین از افزایش نفوذ روس‌ها در این نابسامانی نگران است. روسیه مدت‌هاست که از هیچ فرصت و تنشی در خاورمیانه بدون آنکه به فکر منافع خود باشد و به افزایش نفوذ فکر کند، نگذشته است. فرصت تنش میان دو کشور عربی می‌تواند بازیگری روس‌ها را عمق بیشتری ببخشد.

اولتیماتوم روز سه‌شنبه عربستان به امارات برای خروج نیروها از یمن، در نهایت به عقب‌نشینی اماراتی‌ها منجر شد. آنها البته در ظاهر چنین تصمیمی را بدون توجه به فشارهای همسایه قدرتمند خود اتخاذ کرده‌اند؛ اما کمتر کسی می‌تواند ادعا کند که ابوظبی برای آنکه تقابل با ریاض بالا نگیرد، دست به چنین اقدامی زده است. عربستان سعودی همچنین از امارات خواسته است حمایت نظامی یا مالی از شورای انتقالی جنوب یا هر طرف دیگر را در یمن متوقف کند. شورای انتقالی جنوب اما با خروج امارات از یمن همدل نیست. اتفاقی که به معنای آن است که هرچند سطح تنش کمی پایین خواهد آمد؛ اما پایان زودهنگامی نخواهد داشت.

انتخابات‌های مهم سال ۲۰۲۶

اروپا در دوراهی جنگ و انتخابات

مهاجرت، استانداردهای دموکراتیک و به‌ویژه جنگ در اوکراین به چالش می‌کشد.

اسپانیا، آلمان، فرانسه و ایتالیا: تسویه حساب‌های محلی

بزرگ‌ترین قدرت‌های اتحادیه اروپا خود را برای انتخابات‌های منطقه‌ای و شهرداری آماده می‌کنند که تأیید خواهد کرد جریان راست چقدر شتاب گرفته است و همچنین سنجشی از میزان بی‌اعتمادی فراینده نسبت به مقامات در مادرید، برلین، پاریس و رم ارائه خواهد داد. در اسپانیا، حزب سوسیالیست (PSOE) به رهبری پدرو سانچز، نخست‌وزیر، هنوز از شکست خود در انتخابات منطقه‌ای ۲۱ دسامبر در اکسترمداد کُچ آید است؛ جایی که بدترین نتیجه تاریخ خود را در منطقه‌ای که یک پایگاه سنتی محسوب می‌شد، دشت کرد.

در همین حال، در مادرید ائتلاف حاکم سانچز پس از چندین رسوایی فساد تحت فشار است و برای سومین سال متوالی در تلاش برای تصویب بودجه دست‌وپنجه نرم می‌کند. انتخابات منطقه‌ای پیش‌رو در هشتم فوریه، کاستیلا و لئون در ۱۵ مارس و اندلس -بزرگ‌ترین منطقه اسپانیا از نظر وسعت و جمعیت- نهایتاً در ۳۰ ژوئن، همگی آزمون‌هایی حیاتی نه‌تنها برای حزب سوسیالیست بلکه برای اپوزیسیون راست میانه یعنی حزب مردم (PP) خواهند بود. سؤال این است که آیا حزب مردم می‌تواند پیش از انتخابات سراسری ۲۰۲۷ بدون تکیه بر حمایت حزب راست‌گرای «وکسس»، اکثریت را تضمین کند یا خیر؟ همچنین در روزهای ۱۵ و ۲۲ مارس، فرانسوی‌ها پای صندوق‌های رأی می‌روند تا شهرداران را در سراسر کشور انتخاب کنند و درست مانند اسپانیا، این انتخابات محلی به‌عنوان معیاری پیش از رأی‌گیری ریاست‌جمهوری ۲۰۲۷ عمل خواهد کرد. فرانسه در حال حاضر با یک بحران سیاسی ناشی از بی‌ثباتی طولانی‌مدت دولت، محبوبیت پایین و رکوردشکن امانوئل مکرون و ادامه خیزش «اجتماع ملی» (RN) روبه‌روست؛ آن‌هم با وجود اینکه مارین لوپن، رهبر آن، از نامزدی برای پست‌های دولتی منع شده است.

در ایتالیا، انتخابات شهرداری در شهرهای بزرگ رم، میلان، بولونیا و تورین در طول همه‌گیری به تعویق افتاد و برای بهار ۲۰۲۷ برنامه‌ریزی مجدد شد. در عوض، رأی‌دهندگان در سال ۲۰۲۶ تنها در تعداد کمتری از شهرها مانند ونیز، رجویو کالابریا، آرتزو، آندریا

گزارش

دیپلماسی نتانیاهو با چاشنی تهدید نظامی

شرق: نخست‌وزیر اسرائیل در گفت‌وگو با رسانه‌های آمریکایی ضمن هشدار درباره بازسازی توان هسته‌ای و موشکی ایران پس از جنگ ماه ژوئن، خلع سلاح کامل حماس را تنها راه پیشبرد طرح صلح واشنگتن دانست. او رد نگرانی‌ها درباره خشونت در کرانه باختری، شناسایی سومالی‌لند را گامی استراتژیک برای مهار یمن خواند.

بنیامین نتانیاهو در جریان سفر خود به ایالات متحده، در مصاحبه با فاکس‌نیوز گفت حملات اسرائیل در جنگ ژوئن برنامه‌های موشکی و هسته‌ای ایران را به‌طور قابل توجهی به تأخیر انداخته است، اما هشدار داد که تهران اکنون در تلاش برای بازسازی آت‌هاست. او ادا کرد: «ما آنها را در هر دو زمینه به عقب راندیم، اما آنها تلاش خواهند کرد.»

نتانیاهو شروط سختی را مطرح کرد و گفت ایران باید غنی‌سازی اورانیوم را کنار بگذارد، مواد غنی‌شده را از کشور خارج کند و بازرسی‌های بین‌المللی را بپذیرد. نخست‌وزیر اسرائیل مدعی شد تل‌آویو به دنبال تشدید تنش نیست، اما هشدار داد که هرگونه تجاوز مجدد با پاسخی کوبنده مواجه خواهد شد. او با ادبیاتی تهدیدآمیز گفت: «اگر آنها چنین کاری کنند، همه چیز تغییر خواهد کرد و هیچ محدودیتی وجود نخواهد داشت.»
باین‌حال، نتانیاهو تأیید کرد که چندی پیش از طریق ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به تهران پیام داده که هیچ قصدی برای افزایش تنش و درگیری با ایران ندارد.

نتانیاهو مانع اصلی پیشرفت فاز دوم طرح صلح غزه را که مورد حمایت ایالات متحده است، امتناع حماس از زمین‌گذاشتن سلاح دانست. او با بیان یک کلمه کلیدی «خلع سلاح»، استدلال کرد که حماس همچنان ده‌ها هزار سلاح و شبکه گسترده‌ای از تونل‌ها را حفظ کرده است.

طبق برآوردهای ارائه‌شده از سوی او، این‌گروه همچنان حدود ۲۰ هزار جنگجوی مسلح و نزدیک به ۶۰ هزار اسلحه در اختیار دارد. با وجود اینکه حماس توافق برای خلع سلاح کامل را بارها رد کرده، نتانیاهو گفت که اسرائیل به تلاش‌های دیپلماتیک، ازجمله پیشنهادها برای استقرار یک نیروی تثبیت‌کننده بین‌المللی در غزه فرصت خواهد داد. باین‌حال، او اولتیماتوم خود را این‌گونه اعلام کرد: «اگر بتوان این کار را به روش آسان انجام داد، خوب است؛ و اگر نه، به روش دیگری انجام خواهد شد.»

در موضوع کرانه باختری، نتانیاهو در گفت‌وگو با نیوزمکس تأکید کرد که برای تثبیت اوضاع در این منطقه، کارهای بیشتری باید انجام شود.

اتحاد استراتژیک در شاخ آفریقا

نخست‌وزیر اسرائیل هرگونه شکاف با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را رد کرد و گفت هر دو رهبر چشم‌انداز یکسانی برای منطقه دارند. او گفت: «ما دستاوردهای زیادی آنجا داشته‌ایم» و افزود که در مورد لزوم حفظ کنترل نظامی اسرائیل بر منطقه هم‌نظر هستند؛ هرچند اذعان کرد که ترامپ گفته است او «گاهی اوقات سرسخت» است. این در حالی است که مقامات آمریکایی نگرانی خود را از خشونت‌های کنترل‌نشده، گسترش شهرک‌ها و توقف درآمدهای مالیاتی تشکیلات خودگردان توسط اسرائیل ابراز کرده‌اند.

در بخش دیگری از مصاحبه با نیوزمکس، نتانیاهو از تصمیم جنجالی اسرائیل برای شناسایی رسمی جمهوری خودخوانده سومالی‌لند دفاع کرد. او سومالی‌لند را به‌عنوان یک جامعه مسلمان میانه‌رو و دموکراتیک توصیف کرد که برخلاف بی‌ثباتی در بقیه سومالی، به دنبال پیوستن به پیمان ابراهیم است.

گزارش‌های رسانه‌ها حاکی از آن است که این اقدام ملاحظات استراتژیک مهمی دارد؛ ازجمله نزدیکی سومالی‌لند به یمن که می‌تواند توانایی اسرائیل برای رصد و مقابله با یمن را افزایش دهد.